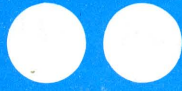


اِقْرَأْ...

قرائت درى

برای صنف دوم



سال: ۱۳۶۵ هـ ش

Ketabton.com

قرائت

دری



برای صفت دوم

سال ۱۳۶۵ - هجرت

مؤلف :

خالد « کاپیسائی »

اعضاء مشورتي :

باطن شاه « صافی » و روزه گل « وحدتی »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ط

بِسْمِ خدایند بخشاینده و مهربان

اللَّهُ (جل جلاله)

خدایند یکی است، شریکی ندارد، و به هیچ کسی محتاج نیست.

زمین، آسمان، کوه ها، ستارگان، حیوانات، نباتات،
باد، باران، انسانان، جنیات و تمامی موجودات را خدایند^(ج)
آفریده است. ما را نیز خدایند^(ج) هست کرده است.

خدایند روزی دهند و تمام موجودات زنده است. روز
رسان ما نیز خدایند^(ج) است. تمامی موجودات زمین و آسمان
صفت و ثنای خدایند^(ج) را میگویند پس بر ما نیز لازم است

۱- خدایند ۲- زنده سر ۳- گیاهان و درختها ۴- پیدا کرده است

که ثناخوان اللہ باشم و عبادت خداوند، را بکنم .

۱- جملات ذیل را تکمیل کنید:

الف - خداوند، است، شریک

ب- زمین، آسمان، کوه ها، حیوانات، نباتات،

باران و تمامی را خداوند، است

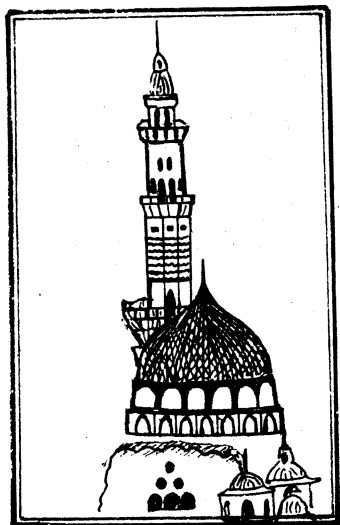
۲- کلمات ذیل از چند صرف تشکیل شده اند:

خداوند: خ، و، زمین، نباتات

باد،

۱- محفت کتبه

پیامبر (صلی اللہ علیہ وسلم)



حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم رسول و پیامبر
خدا است . ما ایمان داریم که خدایکی است ، ایمان
داریم که حضرت محمد ص پیامبر خدا و رهنمای مردم است
نام پدر حضرت محمد ص عبد اللہ و نام مادرش بی بی آمنه بود .
پدرش دو ماه پیش از پیداشدنش وفات شد . و قتیکه به عمر
شش سالگی رسید مادرش هم وفات شد و پیامبر خدا یتیم ماند .

۱- فرستاده شده ۲- باور ۳- نشان دهنده راه

پرویش اور پدرا کلاش عبدالمطلب پرویش گرفت، آنحضرت^ص هشت ساله بود که پدرا کلاش نیز وفات نمود لیکن کاکایش ابوطالب زنده بود و پرویش آنحضرت را به عهد گرفت. حضرت محمد^ص در سن چهل سالگی از طرف خداج پیامبر شد، و مردم دنیا را به اسلام دعوت نمود. حضرت محمد^ص در سن شصت و سه (۶۳)، سالگی وفات و در مدینه منوره دفن شد.

تمرین

- ۶- آیا شما کاکا دارید؟
- ۷- آیا پدر و مادر شما زنده است؟
- جلد ذیل را چند بار بنویسید:
- حضرت محمد^ص پیامبر خدا و پنهانی مردم است

- ۱- پیامبر چه نام دارد؟
- ۲- مطلب از ایمان آوردن پیامبر چیست؟
- ۳- پدر و مادر آنحضرت^ص چه نام داشتند؟
- ۴- نام کاکای آنحضرت^ص چه بود؟
- ۵- آنحضرت^ص در چند سال عمر داشت؟



قرآن شریف

قرآن شریف کلام خداست خداوند قرآن را پر سیا مبرش
حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم نازل کرد، سیا مبر خدا آنرا به مردم دنیا ابلاغ نمود.
کسانیکه سعادت داشتند قرآن را قبول کردند و مسلمان شدند،
بر خدا، کلام خدا و سیا مبرش ایمان آوردند و سعادت دنیا و آخرت
نصیب شان گردید. کسانیکه بد بخت بودند از کلام خدا و
پیروی رسول خدا تمسک باز زدند ازین سبب در گروه کفار
حساب شدند، که در زندگی دنیا شرمندہ، و در آخرت بہ
عذاب خدا گرفتار استند.

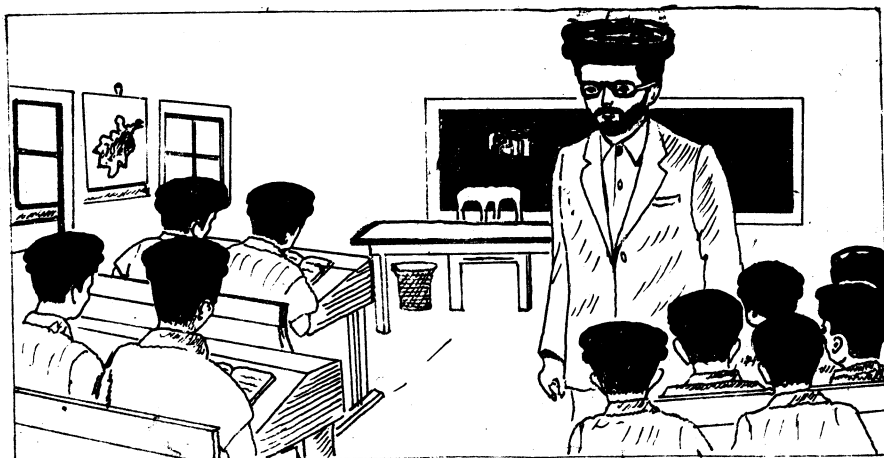
۱- بیک بختی

نکات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید:

۱- سعادت ۲- دنیا ۳- آخرت ۴- شرمندہ ۵- کافر

تمرین

- ۱- قرآن شریف کلام و سخن کیست ؟
- ۲ آیا کافران قرآن شریف را قبول دارند ؟
- ۳ شما قرآن شریف را میخوانید ؟
- ۴ شما چه وقت و همراه چه کسی قرآن شریف میخوانید ؟
- ۵ در فامیل شما کی قرآن شریف می خواند ؟



شاگردان و صنف دوم

سه ماه رخصتی گذشت. شاگردان صنف اول امسال در صنف دوم می نشینند. خوش و خندان هستند که همصنفان یکدیگر را در صنف بالاتر می بینند، عجله میکنند تا معلم نوبه صنف ایشان بیاید. معلم نومی آید، و شاگردان صنف برای احترام معلم ایستاده میشوند؛ معلم نوبه ایشان دست آنها را میگوید. بنشینید، بچه های خوب! شاگردان

می نشیند و به گفته های معلم گوش میگیرند.

معلم نوبه شاگردان میگوید :

خسته نباشید! خدا کند از روزهای رخصتی استفاده

کرده باشید، و روزهای رخصتی را به خوشی گذرانده باشید.

شاگردان بایک صدا، در جواب معلم میگویند. زنده

باشید استاد!

در روزهای رخصتی خستگی ما رفع شده است زیرا که تفریح

طولانی داشتیم و اکنون برای فرا گرفتن دروس جدید آماده

هستیم.

تمرین

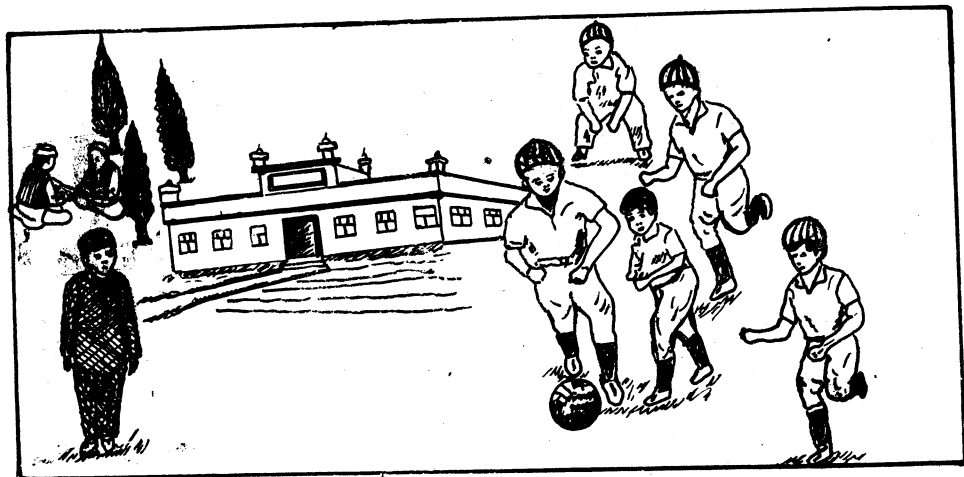
نکات ذیل را چند دفعه بنویسد.

شاگردان ، صنف دوم ، معلم ، بچه های خوب ، رخصتی ، جواب ، استاد ، آماده .

به صنف دوم خوش آمدید

شاگردان عزیز به صنف دوم خوش آمدید!
امسال که شما را در صنف دوم می بینم بسیار خوش هستم.
از چهره های شما معلوم می شود که شما نیز خوش هستید.
زیرا که سال گذشته سنی و کوشش کردید، دروس
خود را خواندید و در امتحانات صنف اول کامیاب شدید.
امیدوارم در صنف دوم نیز دروس روزمره تان را
بخوانید، و آنرا مشق و تمرین نمایید، تا در سال آینده شما
را در صنف سوم ببینم.

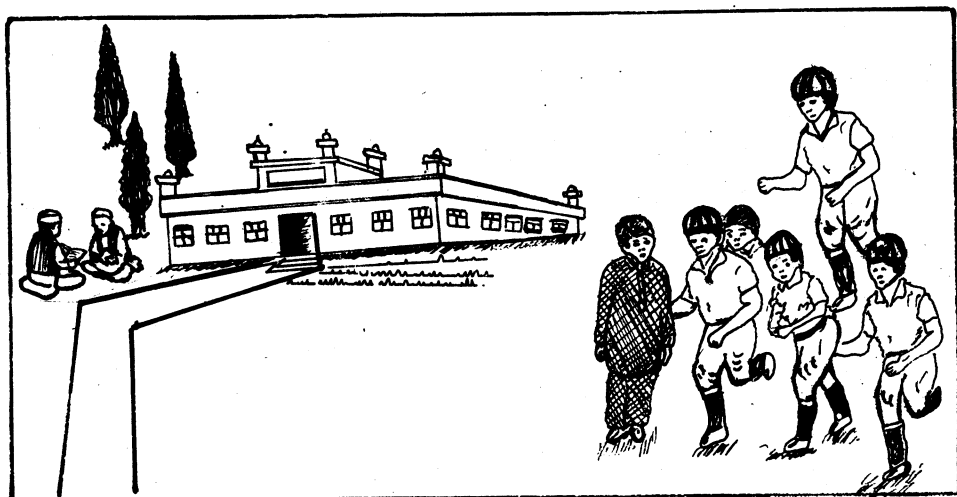
-
- ۱- کوشش ۲- جمع درس
تمرین :
۱- لغات فوق را در جملات مناسب استعمال کنید؟
۲- کدام یکی از همصنفان شما امسال در صنف دوم اول است؟
۳- او چرا اول نمره شد؟
۴- آیا امسال شما هم کوشش میکنید که به صنف سوم اول نمره کامیاب شوید؟



میدان توپ بازی

زنک تفریح زده شد، بچه های مدرسه به میدان مدرسه
برآمدند. شاگردان دوستان خود را یافتند، بعضی با هم
مشغول گفتگو بودند، و بعضی در حل سوالات درس
نوازی یکدیگر کمک میخواستند.

گروهی از بچه ها به توپ بازی مشغول گردیدند بچه
ها هر طرف میدویدند و خوشحال بودند. استنک و



تہا در پھلوی دیواری ایستا دبوزیرا کسی رانکشناخت
از بچہ های نا آشنا کنارہ بود، ہیچ چیز می نمی گفت
خاموشانہ با خود فکر میکرد و ناگاہ شریف را دید
کہ از گروہ بچہ های بازی کنان جدا شد و طرف او میدود، اسد
اورا شناخت کہ وی دوست دیرین اش شریف
است. وقتیکہ ہر دو با ہم نزدیک شدند، شریف
گفت، اوہ برادرم اسد جان السلام علیکم!

چرا در این گوشه تک و تنها ایستاد هستی، بی توپ
بازی کنیم. اسد جواب داد و علیکم السلام، شریفان،
من توپ بازی یاد ندارم. شریف گفت ما ہم در اول
یاد نداشتیم، ولی آہستہ، آہستہ تمرین
کردیم و یاد گرفتیم! اگر تو ہم توپ بازی را شروع کنی حتماً
یاد میگیری. اسد بہ میدان توپ بازی آمد، و شریف
با صدای بلند گفت:

برادرهای محترم! اینست دوست نو ما اسد، بیاید تا اورا توپ
بازی یاد بدیم.





وطن ما افغانستان و دین مردم ما اسلام است،
ما همه مسلمانیم. دین اسلام بهترین دین است
زیرا که حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) به مردم چنین فرمود است:
«من تمام خوبی های دنیا و آخرت را برای شما آورده ام،
خداوند مرا امر کرده است، تا مردم جهان را به دین

اسلام دعوت نمائیم، دین اسلام از پیغمبر اسلام
برای ما میراث مانده است. نیاکان ما دین اسلام
را پذیرفته و از آن نگهبانی کرده اند. ما که مانند آنها
نیز مسلمانیم، و دین اسلام را با دل و جان دوست
داریم، از آن نگهبانی میکنیم و دشمنان را فرصت
نمی دهیم که بر دین و وطن اسلامی ما بتازند.

این جمله را چند بار بنویسید:

دشمنان را فرصت نمی دهیم که بر دین و وطن اسلامی ما بتازند.

۱- فرا خواندن ۲- چوکی داری و حفاظت ۳- تجاوزکنند.



لطیفه

شخصی در نیم شب از خواب بیدار شد. دید که در گوشه حویلی خانه اش دزدی ایستاده و از جایش شور نمی خورد. زن خود را صدا کرد و گفت تیر و کمان مرا بسیار که دزد است. زنش تیر و کمان را آورد و به شوهرش داد، شوهرش دزد را تیر باران نمود، و گفت حالا تا صبح با

۱- میل دراز آهنی که توسط کمان بطرف دشمن یا شکار پرتاب میشود.

۲- چوب کچی که توسط آن تیر اندازی میشود.

او کاری ندارم، چون صبح شد و به سراغ دزد آمد دید
که لباس خودش را که بر روی دیوار در میخ آویزان
بود تیرباران کرده است. گفت خدا را شکر است،
که خودم در این لباس نبودم، ورنه تیرباران میشدم.

یا دواشت :

معلم صاحب نمونه‌ئی تیر و کمان راز چوب برای شاگردان
تهیه کند.

۱- دنبال، در پی

کتاب خوب

دانا و خوش بیام
 با آنکه بی زبانت
 من یار پندوانم
 با سود و بی زیانم
 من یار مصیبتانم

من یار مصیبتانم
 گویم سخن فراوان
 پندت و هم فراوان
 من دوست هنرمندم
 از من مباش غافل^۵

(عباس مغبینی تریف)

تمرین

- محترم معلم صاحب تمرین های ذیل را به شاگردان بدهند.
- ۱- شما کدام کتابها را در صنف دوم میخوانید؟
 - ۲- کدام کتاب را بسیار خوش دارید؟
 - ۳- آیا بدون کتابهای مکتب دیگر کتابها را در خانه میخوانید؟
 - ۴- شما در خانه چه قسم کتابها دارید؟
 - ۱- بسیار. ۲- نصحت ۳- فایده ۴- ضرر ۵- بی خبر

عید فطر

اواخر ماه مبارک رمضان بود، هر کس میگفت عید فطر نزدیک است. کسی لباس نو میخرید و کسی لباس کهنه را رنگ میداد که نو معلوم شود.

پدر شکور از شکور پرسید، کدام نوع لباس را می پسندی که برای عید فطر داشته باشی؟

شکور آهی کشید و گفت: پدر جان لباس کهنه خود را پاکیزه می شویم تا در نماز عید شرکت کنم. ولی لباس نو دلم نمی خواهد. پدرش گفت چرا؟ شکور گفت:

پدر جان: چون روسها، این دشمنان دین و وطن ما بر میهن ما تجاوز کرده اند، و ما را به ترک نمودن وطن

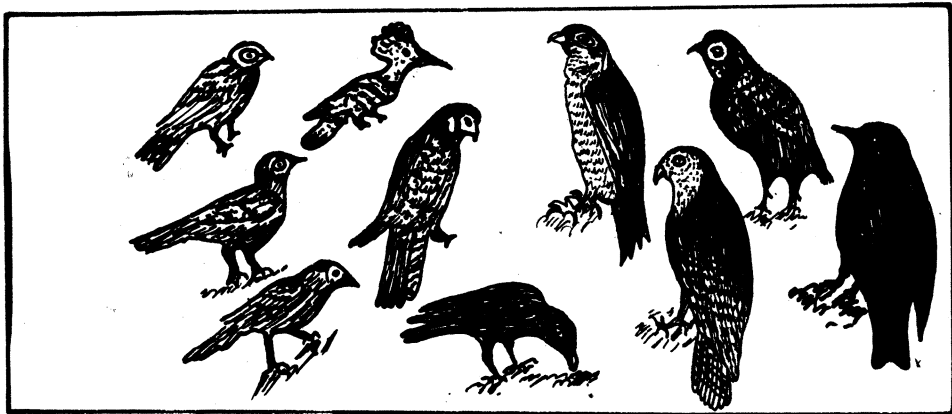
مجبور ساخته اند، که محصا جبر و آواره شده ایم
شب و روز چندین نفر از هموطنان ما در اثر بمباری
روس های ظالم شهید می شوند. پس دلم نمی خواهد که
لباس نو داشته باشم. عید حقیقی ما وقتی خواهد بود
که وطن ما از دست بیگانگان نجات یابد، و دین-
اسلام در آنجا حاکم گردد. همان وقت برای ما عید است
و لباس نو خواهیم پوشید.
پدرشکور آهی کشید و گفت راست میگویی پسر عزیزم.

تقریب : ۱- لغات ذیل را چند دفعه در کتابچه های خود بنویسید :
لباس ، عید فطر ، رنگ ، مهاجر و آواره ، ظالم ، روسهای ظالم ، آهی کشید ، ماه مبارک رمضان ، پاکیزه
۲- معلم صاحب محترم شاگردان را بچند گروه تقسیم کنند و در هر گروه یک شاگرد را
موظف سازد که لغات مذکور را به گروه خود بخواند و شاگردان گروه آنها را بنویسند.
بعد از آن شاگردان همان گروه غلطی های خودشان را دسته جمعی اصلاح کنند.

۱- خانه بدوش ۲- اجانب

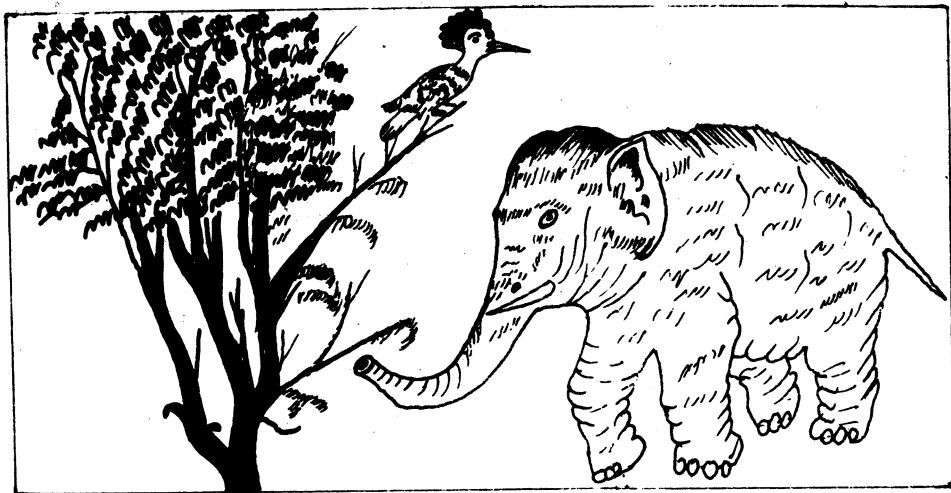
پرنندگان صحرائی

گروهی از پرنندگان در صحرائی زندگی میکردند. در تزدیکی آنجا فیل نیز سکونت داشت. بیک روز فیل از راهی میگذاشت که پرنندگان صحرائی در آن صحرا آشیانه داشتند. آشیانه چند پرنده زیر پای فیل لگدمال و خراب شد و چوچه های پرنندگان نیز کشته شدند. پرنندگان به گروهی جمع شدند و مشورت کردند که چه باید کرد؟



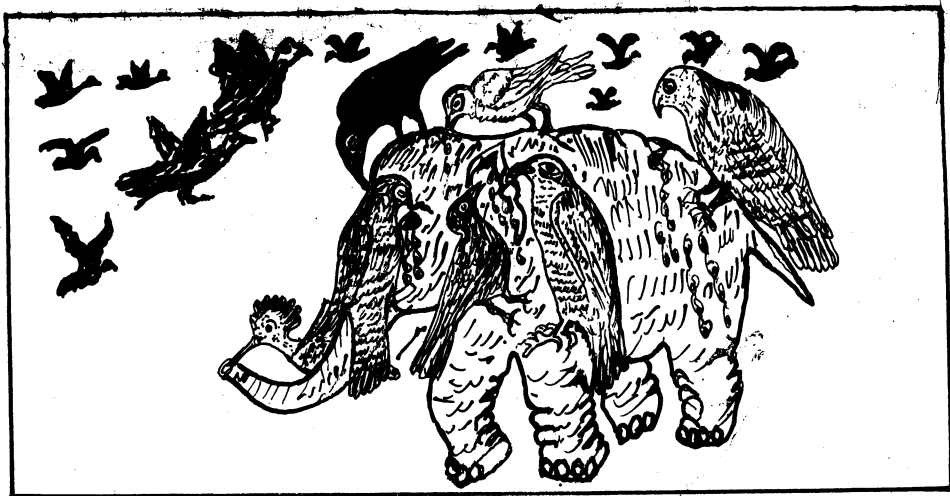
هدهد که پرندۀ هوشیاری بود، روبه دیگران کرده و
گفت عزیزان! این صحرا وطن ما و شما است. دشمن
ظالم آمد و خانه های ما را خراب کرد. چوچه های ما را کشت.
باید سعی کنیم تا دشمن ظالم را از وطن خود بیرون کنیم که در
آینده از شر آن در امان باشیم. پرندگان همه با یک
صدا گفتند درست است که نگهداری وطن و دفاع از
خانه و کاشانه بر ما لازم است، ولی چگونه میتوانیم با قیل
قومی و کلان مقابله کنیم؟
هدهد گفت وقتیکه یک دست و یک مشت باشیم
هر کاری از دست ما و شما شدنی است.
پرندگان گفتند، بسیار خوب زودتر بگو چه کار کنیم تا
دشمن ظالم را نابود نمایم.

بدید گفت اولاً فیل را میگویم که آمدنت ازین راه غلط است زیرا چوچه
های ما را کشتی باید در آینده ازین راه رفت و آمد نکنی .
اگر قبول کرد ، بسیار خوب اگر قبول نکرد برای مقابلت
آماده باشید . گفتند کاملاً درست است . بدید بر دوپه
سراغ فیل رفت ، فیل را یافت ، و بر شاخ درختی
نشست و به فیل گفت ، تو که از راه لانه های پرندگان
رفتی لانه های ما را خراب ساختی و چوچه های ما را کشتی . درآیند ،

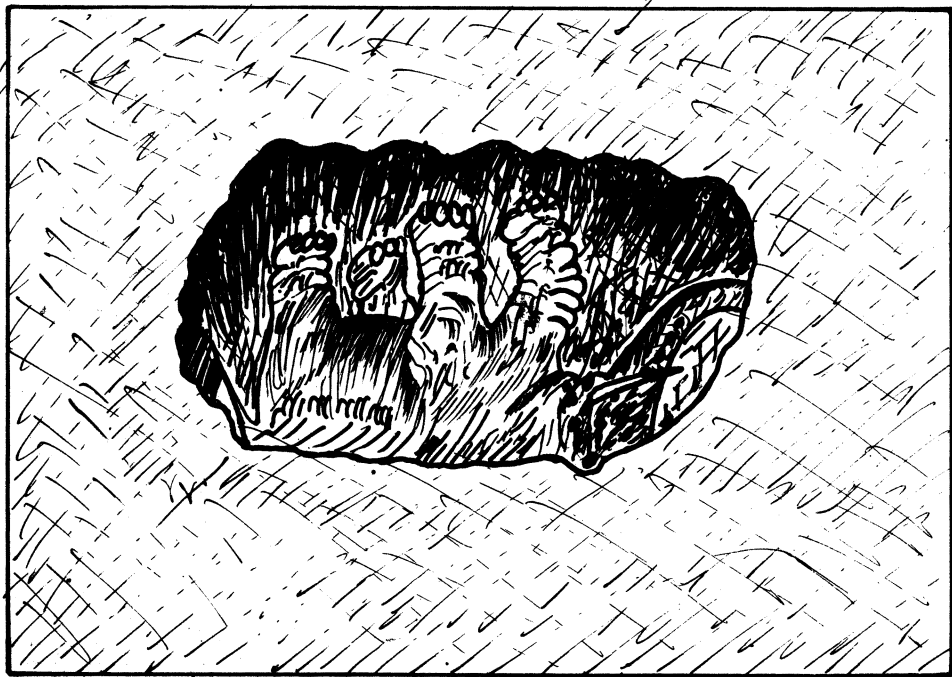


اجازه نمیدیم که ازین راه بروی. فیل گفت عجیب
است. پرندگان با این ضعیفی به یک فیل قوی وکلان
اجازه راه رفتن نمی دهند. بروگم شو! آماده باش که همین
حالا می آیم، هر چه میتوانی بکن.
بد بد پیش پرندگان آمد و گفت: دوستان آماده باشید،
فیل می آید باید به او نشان بدیم که ظالم کامیاب نمیشود.
پرندگان گفتند آماده هستیم بگو چه کارکنیم؟
بد بد گفت: این گودال را می بینید؟ گفتند بله
گفت با هم می پریم و بر لب گودال می نشینیم، فیل
آنجا می آید و قتی که فیل رسید شمارا میگویم که چه کار
کنید. تمام پرندگان بر لب گودال جمع شدند. دیدند
که فیل خشکین به تنی می آید، و هر طرف میدوید.

وقتیکه پرنده‌گان را دید، قصد داشت بر آنها حمله کند
و دید با صدای بلندی فریاد زد و گفت بپرید، و هر دو
چشم فیل را بکشید.
پرنده‌گان پریدند، و بانول‌های تیزشان هر دو چشم
فیل را کور کردند.
فیل فریادی زد، و سرگردان هر طرف می‌دید که



ناگهان درگودال افتاد، هرچند کوشش و تلاش
کرد نتوانست که ازگودال بیرون آید.
پرنده‌گان خوش و خندان شادی میکردند، و نتیجه اتحاد و
همبستگی را دیدند و کامیاب شدند و با هم می‌گفتند: این
سزای ظالم است که بالاخره درگودال می‌افتد.



تمرین

- ۱- شاگردان عزیز شما پرنده ما را دیده‌اید؟
- ۲- کدام پرنده ما را می‌شناسید؟
- ۳- آیا شما آشیانه پرنده ما را دیده‌اید؟
- ۴- پرنده ما چه وقت چه می‌کشد؟
- ۵- پرنده ما چه فوایدی دارد؟

جملات ذیل را تکمیل کنید:

گروهی از در صحرای زندگی می‌کردند.

روزی از راهی میگذشت که صحرای در آنجا

آشیانه داشتند. این سرزای ظالم است که بالاخره در
می‌افتد.

عینک فروش و خریدار

شخصی یکی را دید که در وقت خواندن کتاب یا خطی
بر چشم خود عینک میگذارد و با خود فکر کرد، اگر هر کسی عینک
بگذارد خط هم خوانده میتواند.

به عینک فروشی رفت و از عینک فروش خواست
به او عینک بدهد، هر قسم عینک که برچشش -
گذاشت، خوانده نتوانست.



به عینک فروش گفت میخواهم عینکی را بخرم که با آن خواننده
بتوانم عینک فروش از وی پرسید آیا گاهی به مدرسه
رفته اید؟ گفت نه. گفت خواننده هستید؟ گفت
اگر خواننده می بودم پس چرا عینک می خریدم.

۱- محترم معلم صاحب مثل قصه فوق حکایت های دیگر
را برای شاگردان خود بگوید.

۲- مطلب خلاصه این حکایت چیست؟

۳- لغات ذیل از چند حروف تشکیل شده اند:

عینک چشم مدرسه
گفت

۴- معلم صاحب راجع به استعمال عینک به شاگردان توضیحات

مکتوب چکه افعال به کو دوکان جبرهان

مرا بشناسید. من افغان استم. وطنم افغانستان و
دین من اسلام است. شما ای کو دوکان جبرهان اکنون
در وطن خود سکونت دارید، در خانه خود باید رو مادر خویش
زندگی میکنید. لیکن من با دیگر هموطنانم از ظلم و تجاوز ظالمان
دنیا، از دست روس ها به ترک گفتن وطن خود مجبور شده، و به
کشورهای همسایه پاکستان و ایران مهاجر شده
ام. بی رحمی روس ها آنقدر زیاد است که هموطنان مرا
زندانی نموده و شهید ساختند. طیارات روسی خانه و کاشانه
مارا بمباران میکنند چرا؟
زیرا که ما مسلمان استیم و کفر را قبول نداریم و آزادی
خود را میخواهیم. تا زمانی که خون در رگ ما است

در مقابل روس؛ جهاد میکنم میدانیم که خداج، با
ما حکم میکنند و وطن ما را از شما نگه میدارند و قتی که
وطن ما آزاد شد و مانند شما در وطن خود زندگی شروع کردم
از شما خواهیم پرسید که در وقت تجاوز و سها بر افغانستان
شما چه کردید؟

قوم من افغان است دین من اسلام است
دل پر از ایمان است آئین من قرآن است

تمرین

- ۱- آیا ز فامیل شما کسی مهاجر شده است؟
- ۲- مهاجر کیست؟
- ۳- هجرت چه مانده دارد؟
- ۴- افغانها چرا به پاکستان و ایران مهاجر شده اند؟
- ۵- درین صنف خانۀ کدام شاعر و شاعرین شاعر شده است؟

لطیفه

روزی یک نفر تخم مرغی را در مشت خود پنهان کرد
و از دوستش پرسید، اگر گفتمی که در دستم چیست
آزرا بگویم که خاکینه کرده بخوری
دوستش گفت کمی نشانی آزا بگو؟
آن نفر گفت: نشانی آن اینست که گرداگردش سفید و
داخل آن زرد رنگ است.
دوستش گفت «حالا فهمیدم. این شلغمی است که درون
آن خالی شده و در آن زردک کاشته اند»

تمرین

- ۱- محترم معلم صاحب لطیفه های دیگر را به شاگردان بگوئید؟
- ۲- آیا در منطقه شما زردک و شلغم کاشته میشود؟
- ۳- کدام نباتات در منطقه شما کشت میشود؟
- ۴- کاشتن نباتات چه فایده دارد؟
- ۵- خاکینه چه نوع خوراک است و از چه ساخته میشود؟

احترام پدر و مادر

پدر و مادر سبب پیدایش ما شده اند. خداوند ج، ما را از پدر و مادر بوجود آورده است. کسانی که احترام و عزت پدر و مادر خود را میکنند خداوند ج، برای شان پاداشش نیک میدهد.

شاگردان مدرسه به گفته های نیک پدر و مادر شان گوش میدهند. پدر و مادر اولین تربیه دهندگان ما اند، ایشان ما را راه راست نشان میدهند و از کارهای نادرست و غیر اسلامی ما را منع میکنند. بچه ها و دخترهای خوب امر پدر و مادر خود را قبول میکنند. تا وقتی که پدر و مادرشان زنده باشند در خدمت آنها بسر میریزند.

۱ - ثواب، اجر

پیامبر اسلام کسانی را که خدمت پدر و مادر خود را
میکردند، دوست و اشت داشت.
خداوند ارج اینزورق آن کریم چنین فرموده است:
خدا را پرستید و با پدر و مادر خود نیکی کنید.

تمرین

- ۱- از شاگردان عتیر پدر و مادر کی فوت شده است ؟
- ۲- پدر و مادر کی زنده است ؟
- ۳- پدر شما چند ساله خواهد بود ؟
- ۴- خدا و پیامبرش در باره حقوق پدر و مادر چه فرموده است ؟
- ۵- آیا شما پدر و مادر خود را دوست دارید ؟

۱- عبادت کنید .

علم

آموختن علم بر مسلمان فرض است .
با آموختن علم خواهند دانایان میشوند ، و از احکام خدا خبر میشوند .
مصرف حاصل کن ای جان پدر

تایبانی از خدای خود خبر

علم انسان را قوت می بخشد و نامش را تا

ابد زنده نگه میدارد .

ز دانش دل پیر برنا بود .^(۴)

توانا بود هر که دانا بود

۱- اوامر ۲- دانائی ۳- همیش ۴- علم ۵- جوان

تمرین

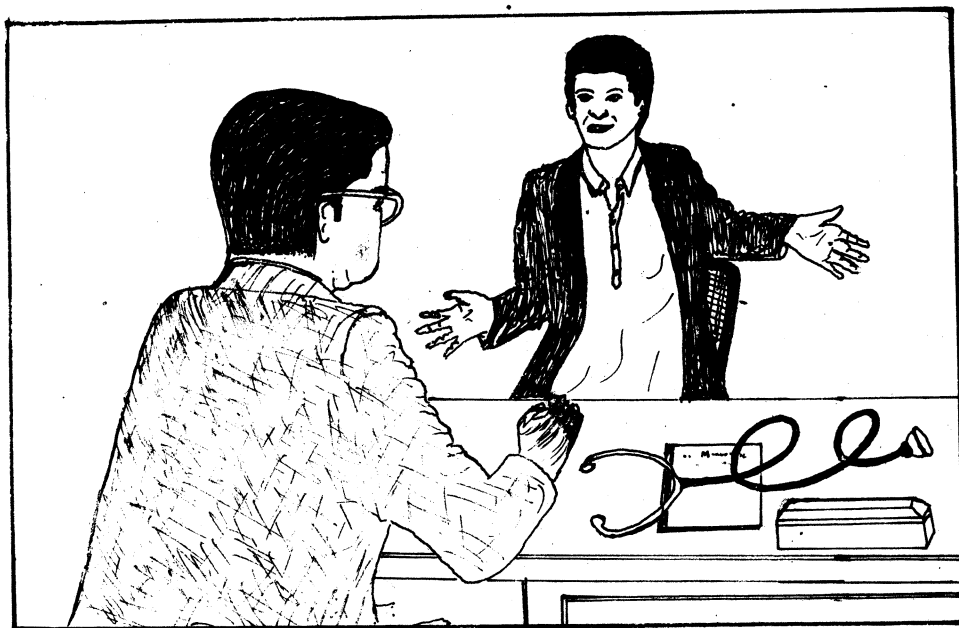
۲- عالم کی را گوید ؟

۱- علم چه فایده دارد ؟

۴- این بیت را چند بار بنویسید :

۳- اسم کدام عالم را میشناسید ؟

توانا بود هر که دانا بود * * * ز دانش دل پیر برنا بود .



لطیفه
یک شخص «مریض» به «داکتر» رفت و گفت شکم من درد میکند.
داکتر از وی پرسید چه خورده ای؟
مریض گفت نان سوخته خورده ام.
داکتر گفت برو اول چشم خود را تداوی کن ، باز
پیش من بیا .

تمرین

۱- لغات ذیل را چند دفعه در کت بچه های خود بنویسید:

لطیفه ، مریض ، داکتر ، نان ، تداوی ، من

۲- شاگردان عزیز آیا شما کدام وقت مریض شده اید؟

۳- چه نوع مریضی داشتید؟

۴- از لطیفه فوق چه فهمیدید؟

هجرت

وقتیکه دشمنان دین و وطن بربک ملک اسلامی تجاوز کنند. و مردم مسلمان نتوانند که مراسم دینی خویش را آزادانه انجام دهند و مسلمانان از لحاظ ظلم و آزار دشمنان دین و وطن مجبور شوند که خانه و وطن خود را ترک گویند تا بتوانند مراسم دینی خود را آزادانه انجام دهند و برای آزادی وطن خود آمادگی بگیرند، و در مقابل دشمنان دین و وطن جهاد کنند.

این قسم ترک وطن را هجرت میگویند، هجرت و طیفه دینی هر مسلمان و پیروی از پیامبر خداج است. زیرا وقتیکه پیامبر اسلام از آزار کفار مکّه معظمه به ستوه آمده بودند به امر خداوند متعال به مدینه منوره هجرت کردند مردم افغانستان که مسلمان

و پیرو پیامبر خداج، هستند در اثر ظلم و تجاوز
روسیها هجرت کرده اند.

تمرین

- ۱- لغات ذیل را در جملات استعمال نمایید ؟
هجرت ، وطنیه ، دشمنان جهاد ، پیروی ، پیامبر ، اسلام
- ۲- شهرهای مکه معظمه و مدینه منوره کجا واقع اند ؟
- ۳- هجرت چه را میگویند ؟



سال
یک سال چهار فصل است. بهار، تابستان
خزان و زمستان.

بهار اولین فصل سال است فصل بهار سه
ماه است حمل، ثور، جوزا. در فصل بهار هوا خوب
میشود و باد نرم میوزد هر طرف سبز و خرم دیده میشود.
دشت ها و کوه ها، باغ ها و گشت زار ها همه پراز گل

میشود. هرکس باتازگی زمین مسرور دیده میشود. بهار
موسم کار است، هرکس کار میکند، دهقانان به
کشتزارها میروند. و به کشت و زراعت می پردازند
باغبانان نهال شانی میکنند، بچه ها به مدرسه میروند،
چوپان ها مره های گوسفند، گله های اسب، پاوه های گاو و غیره
را در چراگاهها میچرانند در فصل بهار هر چیز زندگی نوینی را آغاز
میکند.

ولی یک افغان مهاجر از روزگار تلخ زندگی نمیداند که
بهار است. زیرا اگر چه تمام دنیا سبز و خرم و پر
از گل است اما در زمین او گرد و غبار بمباران طیاره
روسی نقش بسته است و در گوشش صدای بلیکوپتر
و طیارات بم افکن زمزمه میکنند.

تقرین

- ۱- یک سال چند فصل است ؟
 - ۲- فصل بهار چند ماه است ؟
 - ۳- یک افغان مهاجر چرانی داند که بهار است ؟
 - ۴- طیارات روسی در افغانستان چه میکنند ؟
- این جمله را چند بار بنویسید :

افغان مهاجر از روزگار تلخ زندگی نمیداند که بهار است.



تابستان

تابستان دومین فصل سال است که بعد از بهار می آید، فصل تابستان نیز سه ماه است سرطان، اسد و سنبله.

در فصل تابستان حرارت آفتاب بیشتر می گردد و هوا گرم می شود. مردم کوچی به جاهای سرد می روند گیاهان سبز بهار به سبب شدت گرمی و کمبود

آب در دشت و صحرا رو به خشکی میگذارند. و سبزه های
خود رو به رنگ زرد دیده میشوند، و هتقانان کشت خود را
درو میکنند و حاصلات آنرا بخانه میبرند.

افغانستان که یک کشور زراعتی است پیداوار مهم
تابستانی آن گندم و جو است.

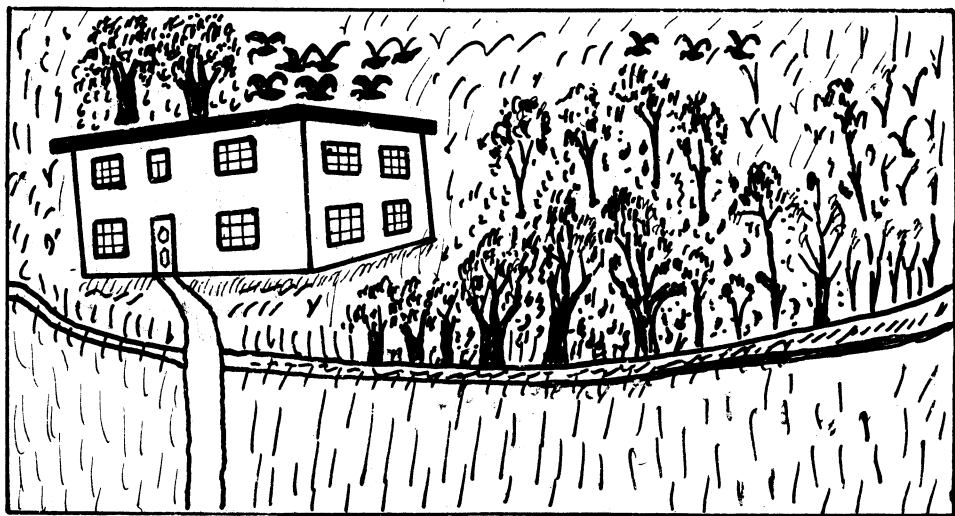
میوه های تابستانی از قبیل خربوزه، تربوز، انگور
سیب، زردآلو، شفتالو، توت، انار، انجیر و غیره
نیز در فصل تابستان حاصل میدهد.

چون میوه جات افغانستان خوش مزه و شیرین میاشد
ازین سبب شهرت جهانی دارد. با وجود اینکه زمین
های زراعتی در اثر بمباران شدید طیارات روسی
اکثر آکاشته میشوند و درخت های میوه دار با غصه

خشک شده و حاصلات کم میدهند ولی باز هم مردم
ملت قهرمان افغانستان در مناطق آزاد به زراعت
و کشت و کار مشغول میباشند.

تمرین

- ۱- در فصل تابستان هوا چگونه می باشد ؟
- ۲- پیدایند زراعتی فصل تابستان در افغانستان چیست ؟
- ۳- سه ماه فصل تابستان را نام ببرید ؟
- ۴- میوه جات افغانستان چرا شهرت جهانی دارد ؟



خزان

سومین فصل سال خزان است. خزان هم سه ماه است.

میزان، عقرب، قوس.

در فصل خزان باد های تند و خشک می وزد برگ های

درختان زرد می شوند می ریزند. هر کس کوشش میکند

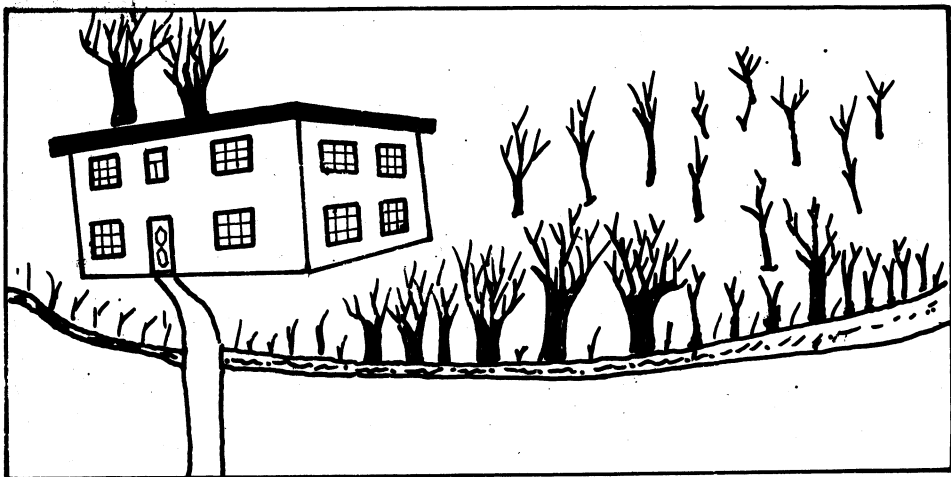
تا برای روز های سرد زمستان به جمع آوری توشه

بپردازد، زیرا که خزان خبر رسان زمستان است

در بعضی مناطق افغانستان حاصلات زراعتی از
قیل : جواری ، برنج ، نیشکر ، پنبه ، انگور ، انار و غیره
در خزان گرفته میشود.

تمرین

- ۱- در کدام فصل سال برگه‌های درختان می‌ریزد؟
- ۲- خزان چندین فصل سال است؟
- ۳- در فصل خزان حاصلات زراعتی بعضی مناطق افغانستان چیستند؟
- ۴- جاهای خالی جملات ذیل را پر کنید:
سومین فصل سال است .
خزان زمستان است .
در فصل خزان باد های و می‌وزد .



زمستان

چهارمین فصل سال زمستان است . سه ماه زمستان عبارت اند از جدی ، دلو ، حوت .

در فصل زمستان در اکثر مناطق افغانستان هوا سرد میشود و در بعضی جا های افغانستان برف و باران می بارد ..

پس برای پوشاک پشمی و خوراک بهتر ضرورت

دارد مردم افغانستان زراعت پیشه بوده و در پرورش
 حیوانات از قبیل گوسفند، بز، گاو، شتر، اسب و غیره
 نیز مهارت دارند از پشم حیوانات لباس های
 پشمی، قالین، گلیم و غیره می بافند و از گوشت آنها نیز
 استفاده میکنند.

لباس های پشمی و گوشت گوسفند و دیگر حیوانات در
 هوای سرد زمستان با مردم افغانستان بسیار کمک میکند.

تمرین

- ۱ - آخرین فصل سال کدام است ؟
- ۲ - کدام مناطق افغانستان در فصل زمستان بسیار سرد است ؟
- ۳ - لباس پشمی گرم است یا تخی و سندی ؟
- ۴ - جملات ذیل را تکمیل نمائید :

سه ماه زمستان عبارت اند از
 در بعضی جا های افغانستان و می بارد.
 بعد از زمستان فصل می آید.

B

6.421

AEC

1128 v. 2

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**